

صفات خدا

درس ۹: تغییرناپذیری خدا

دکتر استیون جی. لوسون

در این مجموعه ما درباره‌ی داشتن یک دیدگاه والا نسبت به خدا صحبت می‌کنیم. و کلیسا همیشه زمانی در قوی‌ترین حالت بوده که والاترین دیدگاه رو نسبت به خدا داشته. مثلاً اصلاحات قرن ۱۶؛ این زمانی بود که کلیسا به دیدگاه والایی از خدای قدوس و حاکم مطلق متعال برگشت. وقتی جان کالون بزرگترین اثرش رو نوشت – یعنی اصول و مبادی مسیحیت، با شناخت خدا آغاز کرد.

او می‌دانست که تمامی الاهیات بر پایه‌ی شخصیت خدا قرار داره. و اونطور که تاریخ کلیسا نشون میده، مثلاً وقتی به عصر طلایی پاکدینی می‌رسیم، این زمانی بود که پیوریتن‌ها شیپورهایی برای صفات خدا و جلال خدا شدند. وقتی من برای اولین بار با صفات خدا آشنا شدم، داشتم چاپ مجدد یک کتاب پیوریتن نوشته‌ی توماس واتسون رو می‌خوندم؛ عنوان کتاب «کالبد الوهیت» بود.

من اون رو باز کردم و فقط به فهرست مطالب نگاه کردم و تنها با خوندن فهرست مطالب، چیزهای بیشتری در مقایسه با اکثر کتاب‌هایی که تا امروز نوشته شده، یاد گرفتم. نیمه‌ی اول فهرست مطالب فقط صفات خدا بود. نیمه‌ی دوم، کل مطالب دیگه‌ی الاهیات بود. پیوریتن‌ها این رو درست درک کردند.

و البته به بیداری عظیم قرن ۱۸ می‌رسیم – جاناتان ادواردز – و کتاب گناهکاران در دستان خدای خشمگین. خدا در وابستگی انسان جلال یافت. تقریباً هر موعظه‌ی دیگری توسط ادواردز، «خدا» رو در عنوانش داره. چون خدا در موعظه و تعلیم او، بسیار متداول بود و دیدگاه والایی نسبت به خدا احیا شد.

این چیزی‌ست که من مشتاقم برای زندگی مسیحی ما و برای کلیسا یک بار دیگه اتفاق بیفته. برای ما، تا دیدگاه شکوهمند و بسیار والا و ارجمند نسبت به خدا رو دوباره درک کنیم. این تمرکز ما در این مجموعه درباره‌ی صفات خداست. در این جلسه ما به صفت بعدی می‌پردازیم که «تغییرناپذیری خدا» هست. تغییرناپذیری خدا یعنی خدا در شخصیت و تمامی طریق‌هایش تغییر نمی‌کنه. یعنی خدا در کیستی خودش ثابت هست. او غیر قابل تغییره، یعنی غیر ممکنه که خدا زیاد یا کم بشه.

اگر خدا زیاد می‌شد، به این معنا بود که او کمتر از اون چیزی هست که خواهد شد، یا اگر خدا کمتر می‌شد، به این معنا بود که او در تمام پُری صفاتش کم میشه. نه! خدا خدایی هست که بود، هست و می‌آید؛ و ما باید محکم و استوار در این حقیقت پرچالال ریشه کرده و استوار بمونیم.

حالا در این جلسه می‌خواهم به تغییرناپذیری خدا بپردازیم؛ و چهار عنوان اصلی هست که می‌خواهم به هر کدام از اونها فکر کنیم.

اول، «خدا در شخصیت خود تغییرناپذیر است.» در صفات، در ذات، در کمالات و در وجود خود؛ خدا در طول اعصار همان هست، او تا ابد همان است. خدا هیچ شباهتی به «ما» نداره. باید اینجا یک جایی «هستند» باشه. ما مثل خدا نیستیم. خدا تغییرناپذیره، ما دائماً تغییر می‌کنیم.

برای اکثر ما در سال‌های آینده از لحاظ جسمانی نقصان خواهد بود، اگرچه در حکمت و روحانیت ما در سلوک با خدا افزایش هست. اما در رابطه با خدا، او تا ابد همونه. اجازه بدید آیاتی رو به شما بدم که به وضوح بر این موضوع تأکید می‌کنند. ملاکی ۳: ۶ میگه: «زیرا من که بیهوه می‌باشم، تبدیل نمی‌پذیرم و از این سبب شما ای پسران یعقوب هلاک نمی‌شوید.»

خدا در شخصیتش تغییرناپذیره. مزمور ۱۰۲: ۲۶-۲۷ میگه: «آنها فانی می‌شوند، [اشاره به نظم مخلوق خدا داره] لیکن تو باقی هستی و جمیع آنها مثل جامه، مندرس خواهند شد. و مثل ردا آنها را تبدیل خواهی کرد و مبدل خواهند شد. لیکن تو همان هستی و سال‌های تو تمام نخواهد گردید.»

یک متن دیگه، مزمور ۱۰۳: ۱۷ «لیکن رحمت خداوند بر ترسندگانش از ازل تا ابدالابد است.» بسیار واضحه که در صفات خدا، هر یک از اونها تغییرناپذیرند. قدوسیت او تغییرناپذیره. قدرت مطلق او تغییرناپذیره. حکمت او تغییرناپذیره. هر صفت خدا غیر قابل تغییره.

یعقوب ۱: ۱۷ یک متن کلاسیک هست. میگه، «هر بخشندگی نیکو و هر بخشش کامل از بالا است و نازل می‌شود از پدر نورها [حالا به این گوش کنید] که نزد او هیچ تبدیل و سایه‌گردش نیست.» خدا در همه اعصار غیر قابل تغییره. خدایی که شما در کودکی می‌شناختید، همون خدایی هست که در سال‌های نوجوانی به شما قوت بخشید.

او خدایی هست که موقع تشکیل خانواده‌تون با شما بود. همون خدایی هست که در سنین سالخوردگی با شما بود. او همون خدایی هست که یک روز در آسمان در مقابلش می‌ایستید. او

تا ابد همونه. شخصیتِ تغییرناپذیر خدا! این چقدر باید مایه‌ی دلگرمی ما بشه، هر بار که ما به حضور تخت فیض میریم، خدا همونه. خلق و خوی او بالا و پایین نمیشه. او خدایی نیست که یک روز حالش خوب باشه، یک روز حالش بد باشه، خدای متفاوت، خدای کمتر، خدای بزرگتر باشه. نه! هر بار که ما نزد خداوند میریم، او صخره‌ست، او پناهگاهه، او قلعه‌ی ماست، او تا ابد همان است.

حالا دوم، «او در کلامش تغییرناپذیر است.» نه تنها او در شخصیتش تغییرناپذیره، بلکه در کلامش هم تغییرناپذیره. کلام خدا هرگز نمیتونه تغییر کنه. هرگز نمیتونه عوض بشه. هرگز نمیتونه محقق نشه. چیزی که خدا فرموده، بر روی سنگ با قلم آهنی حک شده، هرگز نمیتونه عوض بشه.

اعداد ۲۳: ۱۹ مستقیماً درباره‌ی این صحبت میکنه. در اینجا می‌خونیم: «خدا انسان نیست که دروغ بگوید.» این درباره‌ی ما چی میگه؟ این میگه حتی بهترین افراد در میان ما، حقیقت رو تحریف کردند، از بیان حقیقت خودداری کردند، حقیقت رو عوض کردند، روی حقیقت سرپوش گذاشتند، حقیقت رو نگفتند، اما هرگز همیشه چنین چیزی رو درباره‌ی خدا گفت.

هر کلامی که از دهان خدا خارج میشه، حقیقت خالص و ناب. «خدا انسان نیست که دروغ بگوید. و از بنی آدم نیست که به اراده‌ی خود تغییر بدهد.» یعنی او هرگز به خاطر اینکه حقیقت رو نگفته، مجبور نیست که حرفش رو پس بگیره. «آیا او سخنی گفته باشد و نکند؟ یا چیزی فرموده باشد و استوار ننماید؟» هر چیزی که خدا در کلامش گفته، انجام خواهد شد.

مزمور ۱۱۹: ۸۹؛ شما با مزمور ۱۱۹ آشنا هستید؛ کل مزمور. ۱۷۶ آیه همگی درباره‌ی کمالات کلام خداست. ۲۲ قطعه، هر کدام ۸ آیه! و این به عنوان یک شهادت عظیم از کمالات تغییرناپذیر کلام خداست. و فقط در توضیح بگم که این یک مزمور، طولانی‌تر از سی کتاب در کتاب مقدسه. چه مزموری!

این کوه اورست کتاب مزامیره. خُب، در آیه‌ی ۸۹، این آیه‌ی شگفت‌انگیز میگه: «ای خداوند کلام تو تا ابدالابد در آسمان‌ها پایدار است.» در تمامی اعصار آینده، کلام خدا پایداره، ثابت. تغییرناپذیره. مزمور ۱۱۹: ۱۶۰، «تمامی داوری عدالت تو تا ابدالابد است.» اینو دوست ندارید؟ اینکه وقتی یک آیه رو حفظ می‌کنید، این همونطوری میمونه و شما مجبور نیستید که اون رو از حافظه‌تون بیرون بکشید، این همیشه در قلبتونه. تا ابد اونجاست.

وقتی من جوان بودم، بعد از اینکه از کالج فارغ‌التحصیل شدم، به مدرسه‌ی حقوق رفتم. و فکر کردم که می‌خواهم وکیل بشم، تا اینکه به مدرسه‌ی حقوق رفتم. وقتی در مدرسه‌ی حقوق بودم، درس خوندم، و درس خوندم و درس خوندم و این چیزی نبود که ازش لذت ببردم، چون الان که یک کشیش هستم، خیلی بیشتر درس خوندم. اما یادمه که تمام شب بیدار می‌موندم. قانون بدعتی و عرفی رو مطالعه می‌کردم. قانون اساسی رو مطالعه می‌کردم. نمونه‌ها یا پرونده‌ها رو حفظ می‌کردم، می‌دونستم که هر روز در کلاس یکی از ما رو صدا می‌کنند. اما نمی‌دونستیم که چه کسی رو صدا می‌کنند.

و کل نمره‌ی این، امتحان نهایی ما بود. پس هیچ وقت حتی تا روز آخر نمی‌دونستیم که این نمره چی هست، واقعاً نمی‌دونستیم که چطور عمل کردیم، در چه جایگاهی هستیم، چی میشه. و وقتی من رفتم و امتحان نهایی رو دادم، چیزی که توجهم رو جلب کرد، این بود که وقتی در طول ترم به این سوالات جواب می‌دادم، بعضی از این قوانین تغییر کرده بودند. چقدر کلافه‌کننده بود. من از تماشای مسابقات فوتبال دست کشیده بودم تا بتونم درس بخونم.

و بعد وقتی به امتحان نهایی رسیدم، اونها قوانین رو عوض کرده بودند. من در ذهنم دقیقاً می‌دونستم که چی می‌خواهم، من می‌خواهم قانونی رو بخونم که هرگز عوض نمیشه. چیزی که تا ابد همونه. اینکه وقتی این قانون رو مطالعه می‌کنم، برای همیشه در تدبیر جاودانی خدای قادر مطلق حک خواهد شد. این کتاب مقدسه.

اشعیا ۴۰: ۸، «گیاه خشک شد و گل پژمرده گردید، لیکن کلام خدای ما تا ابد الابد استوار خواهد ماند.» در متی ۵: ۱۸ عیسی گفت: «تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد.» حالا، کوچکترین حرف در الفبای عبری، یُد (Yod) هست. و می‌دونید که یُد چه شکلیه؟ یک ویرگول کوچولو. مثل یک مُژه هست.

و کوچکترین سرکش، فقط کشش کوچیکی از یک حرف هست، مثل یک «سراف» هست. مثل چیزی که در الفبای انگلیسی L کوچیک رو از T کوچیک متمایز میکنه، یا یک P بزرگ رو از R بزرگ متمایز میکنه، این فقط یک سرکش کوچیک هست. عیسی گفت، همزه یا نقطه‌ای هرگز زایل نخواهد شد، همه‌ی اینها واقع خواهد شد؛ این شخصیت تغییرناپذیر خدا در کلامش هست.

در ادامه، در لوقا ۱۶: ۱۷ می‌خونیم که عیسی فرمود: «لیکن آسان‌تر است که آسمان و زمین زایل شود، از آنکه یک نقطه از تورات ساقط گردد.» شگفت‌انگیز نیست؟ عیسی گفت آسان‌تره

که کل جهان هستی نابود بشه، تا اینکه یک نقطه انجام نشه و اتفاق نیفته. همه‌ی اینها درباره‌ی جاودانگی و تغییرناپذیری کلام خدا شهادت میدند.

ما می‌تونیم زندگی‌مون رو بر کلام خدا بنا کنیم. وقتی فردا صبح از خواب بیدار میشیم، می‌تونیم با قطعیت بدونیم چیزی که خدا دیروز گفته تا ابد راست خواهد بود. به عبارت دیگه، وقتی کتاب مقدس رو می‌خونیم؛ درست، همیشه درسته، غلط، هیچ وقت درست نیست؛ غلط، همیشه غلطه. و از یک نسل به نسل بعدی، هیچ معیار جدیدی نیست.

چیزی که در جنوب، درست یا غلطه، در شمال هم درست یا غلطه. بدون استثنا. و چیزی که در آمریکا درست یا غلطه، در آسیا هم درست یا غلطه. کلام خدا برای هر نسلی، برای هر قاره‌ای، برای هر سنی یکسان هست، چون همیشه همونه. راه نجات تا ابد همونه. معیار خدا برای خانواده، تا ابد همونه.

معیار خدا برای اخلاقیات، تا ابد همونه. نقشه‌ی رستگاری خدا، تا ابد همونه. تغییرناپذیری کلام خدا! دوم قرتیان ۱: ۱۰ میگه تمامی وعده‌های او «بله و آمین» هست.

پس ما چی گفتیم؟ خدا در شخصیتش تغییرناپذیره. خدا در کلامش تغییرناپذیره. و «خدا در نقشه‌هایش تغییرناپذیر است.» یعنی چیزی رو که خدا از ازل مقرر کرده، در حکم جاودانی او، هرگز نمیتونه در زمان تغییر کنه. خدا هرگز در آسمان دست به چونه‌اش نمیزنه و بگه: «آه، تو فکره که فردا باید چی کار کنیم که این رو درستش کنیم.»

خدا یک نقشه داره، این نقشه‌ی اول هست، هیچ نقشه‌ی دومی نیست، هیچ نقشه‌ی سومی نیست. یک نقشه از پیش از بنیاد عالم! خدا نقشه‌هایش رو عوض نخواهد کرد. دل انسان در طریقه‌ش تفکر می‌کند، اما خداوند قدم‌هایش را استوار می‌سازد. و نهایتاً حاکمیت مطلق خدا غالب خواهد شد. اجازه بدید آیاتی بهتون بدم. مزمور ۳۳: ۱۱-۱۰ «خداوند مشورت امت‌ها را باطل می‌کند.»

یعنی تمامی نقشه‌هاشون، همه‌ی تلاش‌های بزرگ، کسانی که برخاستند تا حکمران و وزیر دولت بشن و همه‌ی این اقتداری که حتی خود خدا به فرمانروایان دولت داده. مشورت امت‌ها را باطل می‌کند. او نقشه‌های انسان‌ها رو بی‌تأثیر می‌کنه. «مشورت خداوند قائم است تا ابدالاباد. تدابیر قلب او تا دهر الدهور.» این هدف و نقشه‌ی تغییرناپذیر، ثابت، برقرار و ابدی خداست و بی‌وقفه به جلو پیش میره.

امثال ۱۹: ۲۱، «فکرهای بسیار در دل انسان است، اما آنچه ثابت ماند مشورت خداوند است.» خوشحال نیستید از اینکه مشورت خداوند ثابت می‌مونه؟ خوشحال نیستید که نقشه‌های دیگران، نقشه‌ی خدا برای شما و من رو واژگون نمیکنه؟

یادتون باشه، تغییرناپذیری خدا به طور جدایی‌ناپذیری به حکمت او، محبت او و فیض او متصل هست. ما می‌تونیم به این نقشه‌ی تغییرناپذیر خدا برای زندگی‌مون اعتماد کنیم. ما می‌تونیم مطمئن باشیم که این برای جلال او و خیریت قومش خواهد بود.

اشعیا ۱۴: ۲۶-۲۷ باید در این قسمت حتما شنیده بشه. «تقدیری که بر تمامی زمین مقدر گشته، این است. و دستی که بر جمیع امت‌ها دراز شده، همین است. زیرا که یهوه صباوت تقدیر نموده است، پس کیست که آن را باطل گرداند؟ و دست اوست که دراز شده است پس کیست که آن را برگرداند؟» اینها دوباره سوالات بدیهی هستند که پاسخ اونها «هیچکس» هست. نقشه‌ی خدا از یک نسل به نسل دیگه، از یک عصر به عصر دیگه پیش میره، و تا ابد همونه.

تغییرناپذیری نقشه‌های او! و وقتی ما به پایان کتاب مقدس میریم می‌بینیم که خدا چطوری این عصر رو به پایان میرسونه و ما وارد جایگاه ابدی خواهیم شد، نقشه‌های خدا تا عصرهای آینده، بدون مانع، بدون رقیب، به جلو پیش خواهد رفت.

حالا، یک جنبه‌ی نهایی در این وجود داره که می‌خوام اون رو ببینید. نه تنها خدا در شخصیتش، در کلامش و در نقشه‌هایش تغییرناپذیره، بلکه همچنین «خدا در نجات خود تغییرناپذیر است.» این برای ما خیلی مهمه که توجه کنیم که خدا کسانی رو از ازل برگزید تا عروس پسرش باشند، کسانی که خدا از ازل با محبت برگزینده اونها رو با تمامی دل خواست. خدا به واسطه‌ی مرگ پسرش، عمل نوزایی روح القدس، اعطای توبه در ایمان، موجب نجاتشون میشه و اونها در محبت او در امنیت خواهند بود، هرگز از فیض ساقط نمیشنند، هرگز ساقط نمیشنند، هیچ ایمان‌داری هرگز غیر ایماندار نخواهد شد. کسی که وارد ملکوت میشه، هرگز از ملکوت خارج نخواهد شد. تغییرناپذیری نجات خدا! من به رومیان ۸: ۲۹-۳۰ فکر می‌کنم: «زیرا آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود... و آنانی را که از قبل معین فرمود، ایشان را هم خواند و آنانی را که خواند ایشان را نیز عادل گردانید و آنانی را که عادل گردانید، ایشان را نیز جلال داد.» زنجیره‌ی طلایی نجات خدا! چیزی که خیلی دلگرم‌کننده هست، اینه که گروهی که خدا از ازل با اونها شروع کرد، دقیقاً همونی هست که خدا در ابدیت به کمال میرسونه. در طول مسیر هیچکس کم نمیشه.

یادمه وقتی در کالج بودم و سعی می‌کردم معدلم رو بالا ببرم، در کلاس‌های زیادی ثبت نام می‌کردم، به اولین کلاس‌ها می‌رفتم و بعد دو تا از اونها رو حذف می‌کردم، کلاس‌هایی که به نظرم نمره‌ی خوب گرفتن در اونها سخت بود و فقط حذف می‌کردم، اضافه می‌کردم، و همینطور حذف و اضافه می‌کردم. نجات خدا اینطور عمل نمی‌کنه. هیچ ترک تحصیلی از مدرسه‌ی فیض وجود نداره. وقتی ما در ازل وارد اهداف نجات‌بخش ابدی خدا شدیم، به همون اندازه درباره‌ی آسمان مطمئنیم که انگار از ۱۰ هزار سال پیش اونجا بودیم. و این تمامی جلال رو به خدا می‌ده، اینطور نیست؟ من به امنیت ابدی که ما در مسیح داریم فکر می‌کنم.

من کل انجیل یوحنا رو خوندم و فقط بعضی از آیات رو یادداشت کردم و می‌خوام بشنوید که چی میگه. یوحنا ۳: ۱۶ «ما حیات جاودانی داریم.» حالا گوش کنید، اگر شما می‌تونستید به مدت پنج سال یک مسیحی باشید و بعد نجات خودتون رو از دست بدید، حیات جاودانی نداشتید؛ شما فقط پنج سال حیات داشتید. اگر شما می‌تونستید به مدت ده سال یک مسیحی باشید و نجات خودتون رو از دست بدید، شما ده سال حیات داشتید. شما حیات جاودانی نداشتید. حیات جاودانی یعنی، شماره‌ی یک: اینکه حیات اعصار آینده، اکنون در ما ساکن هست. این حیات خدا در جان یک انسان هست.

اما این درباره‌ی طول مدت این حیات هم صحبت می‌کنه. اینکه در سراسر اعصار آینده ادامه پیدا خواهد کرد. در یوحنا ۴: ۱۴ عیسی گفت: «تا ابد تشنه نخواهید شد.» حالا اگر شما از این آب بنوشید، هرگز تشنه نخواهید شد. این رو برای شما تضمین می‌کنم، اگر شما می‌تونستید از فیض خدا بیفتید و به جهنم نزول کنید، این در مورد شما صدق نمی‌کرد، شما در تمامی اعصار آینده تشنه می‌شدید. اما ما هرگز تشنه نخواهیم شد.

یوحنا ۵: ۲۴ میگه: «ما هرگز داوری نخواهیم شد.» یوحنا ۶: ۳۵ میگه: «ما هرگز گرسنه و تشنه نخواهیم شد.» یوحنا ۶: ۳۹ میگه: «ما در روز بازپسین زنده خواهیم شد.» یوحنا ۱۰: ۲۸ میگه: «ما هرگز هلاک نخواهیم شد.» یوحنا ۱۱: ۲۶ میگه: «ما هرگز نخواهیم مُرد.» و یوحنا ۱۴: ۱۶ میگه: «تسلطی‌دهنده تا ابد در ما و با ما خواهد بود.»

همه‌ی این آیات با قدرت درباره‌ی امنیت ابدی ایماندار و پایداری خدا در مقدسین صحبت می‌کنند. این تغییرناپذیری خداست، غیرقابل تغییر بودن خدا! تغییرناپذیر در شخصیتش، تغییرناپذیر در کلامش، تغییرناپذیر در نقشه‌هاش، تغییرناپذیر در فیض مطلقا حاکمانه‌اش.

چطور از خدا تشکر کنیم که وقتی ما رو با تمامی دل خواست، نقشه‌های ابدی خودش رو با تمامی دل خواست، اینها انجام خواهند شد، چون او خدای آسمان و زمین.